

لازاریه‌ها^۱ و کاتولیک‌های کردستان

دکتر حسین احمدی

مسیحیان کردستان حدود پنجاه تا شصت خانوار^۲ بودند که تعداد آنها در سال ۱۳۳۱ق به پانصد نفر می‌رسید.^۳ تمامی آنها کاتولیک^۴ و در سنندج مستقر بودند.^۵ این جماعت مسیحی متمرکز با کلیسای کاتولیک موصل – که زیر نظر دولت عثمانی قرار داشت – در ارتباط بودند و اولین پیشوایان روحانی آنها از سمت موصل انتخاب و برای گرداندن امور کلیسا و مدارس سنندج فرستاده می‌شدند. این گروه از مردم کاتولیک با جمع‌آوری پول به ساختن کلیسا و مدارس و تهیه اثاث برای این دو مکان اقدام کردند تا اطفال آنها مطابق مذهب کاتولیک آموزش ببینند، اما کشیشان کم‌سواد اعزامی از موصل با بهره‌برداری اموال این جماعت عملاً در آموزش اطفال این گروه راه به جایی نبردند. در نتیجه مردم کاتولیک مذهب به آرامی از خواب غفلت بیدار شدند و به انتقاد از عملکرد کشیشان مزبور پرداختند، اما کلیسای موصل عملاً توجهی به خواسته‌های مردم نمی‌کرد.^۶ روابط بین کشیهای کاتولیک موصلی و جماعت کاتولیک سنندج آنچنان خراب بود

۱. لازاریه‌ها گروهی از کاتولیک‌های مورد حمایت دولت فرانسه هستند که سنگ بنای تشکیل آن در نیمه دوم قرن هفدهم در کلیسای متروک «سن لازاره زده شد. این گروه در دوره سلطنت شاه قاجار با هدف اشاعه افکار خود وارد ایران شدند و به یازگیری از نسطوریها و ارمنیان پرداختند. جهت اطلاع بیشتر از «لازاریه‌ها» نک: به مقاله اینجانب در فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال هشتم، شماره ۳۲.

۲. مرکز اسناد وزارت خارجه ایران، سال ۱۳۳۱ق، کارتن ۲۵، پرونده ۴۸، سند ۱۰.

۳. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۲ و ۳ و ۱۰.

۴. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۸، پ ۱۰، س ۳۳.

۵. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۰.

۶. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۲ و ۳ و ۱۰.

که با سوگند دادن کشیشها به کار بیشتر از آنها استفاده می‌کردند.^۷
فشار وارده بر مردم، باعث تشکیل جلسات متعدد اعتراض‌آمیز در کلیسای کاتولیک
سنندج شد و اکثریت قریب به اتفاق آنها تصمیم گرفتند که از جان و حتی مذهب خود
بگذرند ولی کشیشان کلیسای موصل در کار آنها دخالت نکنند.^۸

کشیشان اعزامی از سوی کلیسای موصل نه تنها کم‌سواد بودند بلکه تعدادی از آنها
برای منفعت مالی بیشتر، مثل مسیو عبدالواحد پس از فشار دولت ایران حتی لباس
کشیشی را درآورده و به شکل دیگری به تاراج اموال مردم اقدام می‌کرد.^۹

ناصرالملک حاکم کردستان در بیست‌ونهم ذیحجه ۱۳۲۰ خبر از اختلافات میان
کاتولیکهای مقیم کردستان که با موصل و ارومیه در ارتباط هستند می‌دهد.^{۱۰} ظاهراً در
آن دوره تعداد طرفداران کلیسای موصل در اندازه‌ای بود که عملاً گروه دیگر نتوانند به
سوی لازاریستها در ارومیه و خسروآباد بروند، اما در سال ۱۳۳۱ اق‌آنچنان اجحاف و
تعدی به این دسته از مردم کاتولیک شد که تقریباً همگی به سوی امیل سونتاز،^{۱۱} رئیس
هیئت لازاریست و سفیر پاپ مستقر در ارومیه رفتند و تقاضای اعزام کشیشی جهت
اداره امور کلیسا و تربیت اطفال در مدارس را نمودند.

سونتاز نیز کشیش ناتانل دینخا^{۱۲} را به سنندج اعزام کرد.^{۱۳} دینخا خیلی زود اسباب
رضایت و حمایت مردم را به سوی خود جلب کرد.^{۱۴}

بعد از رسیدن خبر ورود دینخا به سنندج اسقف اعظم کلیسای موصل کشیشی به نام
جبرائیل را - که به بدنامی سابقه حضور در میان جماعت کاتولیک سنندج داشت - به
کردستان فرستاد. جماعت کاتولیک سنندج قبل از حرکت کشیش جبرائیل به وی اطلاع
دادند که حضور مجدد وی در کردستان سودی به دنبال ندارد.

جبرائیل از طریق کرمانشاه به سنندج آمد. کاتولیکهای سنندج رسماً و با اجبار مانع از

۷. م.او.خ.ا. س ۱۳۳۱، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۶.

۸. م.او.خ.ا. س ۱۳۳۱، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۲ و ۳ و ۱۰.

۹. م.او.خ.ا. س ۱۳۳۱، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۱.

۱۰. م.او.خ.ا. س ۱۳۳۱، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۳۳.

۱۱. Emil Sontag وی در سال ۱۸۹۵ وارد ایران و تا سال ۱۹۱۸ که در ارومیه به قتل رسید در کشور ما بود.

۱۲. Nathanael Dinkha متولد ۱۸۴۶ معلوم نیست چه سالی وارد ایران شده ولی در سال ۱۹۱۸ در ارومیه
درگذشت. ۱۳. م.او.خ.ا. س ۱۳۳۱، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۰.

۱۴. م.او.خ.ا. س ۱۳۳۱، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۲ و ۳.

دخول وی در میان جماعت کاتولیک و کلیسا شدند و از باز کردن درب کلیسا خودداری کردند.^{۱۵} بلافاصله مأمورین اعزامی از سوی کنسول عثمانی مقیم سنندج با حضور در محل ضمن شکستن قفل درب، کلیسا را در اختیار کشیش جبرائیل گذاشتند.^{۱۶} از آنجایی که کشیش جبرائیل در میان مردم کاتولیک مذهب سنندج جایگاهی نداشت با راهنمایی مسیو عبدالواحد^{۱۷} با آوردن چند نفر از اتباع سلیمانیه سعی در استحکام کار خود کرد. این گروه با شکستن قفل درب مکتبخانه و با تهدید و ارباب سعی در وادار کردن مردم به اطاعت از جبرائیل کردند.^{۱۸}

جماعت کاتولیک سنندج از وزیر خارجه ایران تقاضا داشتند که:

۱. از سفارت عثمانی بخواهد که از دخالت اتباع خود در امور کاتولیکهای سنندج خودداری کند.

۲. مانع دخالت کشیش جبرائیل در امور کلیسا و جماعت ایرانی کاتولیک سنندج شود.

۳. کارگزار خارجه در اجرای برنامه و تأسیس مدرسه، کشیش دینخارا همراهی کند. و در اواخر اگر مقامات وزارت خارجه توجهی نکنند ناچار به اداره دیگری روی خواهند آورد.^{۱۹}

از آنجایی که کاتولیکهای کردستان به رهبری کشیش دینخا، کشیش جبرائیل را برنتافتند و با توجه به روابط بین کلیسای موصل با دولت عثمانی و نظر به روابط تنگاتنگ سران کرد با عثمانیها در این زمان کنسول عثمانی در سنندج کردها را وادار به تحریک و اذیت و آزار جماعت مزبور نمود.

در بیست و هشتم رجب ۱۳۳۱ سفارت فرانسه در نامه‌ای به وزارت خارجه شکایت کشیش دینخا رئیس جماعت کاتولیک کردستان را از اکراد مطرح نمود که باعث خسارت فراوان به کاتولیکها شده‌اند و خواستار این بود که مأمورین دولتی از تعدی اکراد جلوگیری کنند.^{۲۰}

۱۵. م.او.خ.ا.س ۱۳۳۱.ق.ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۰.

۱۶. م.او.خ.ا.س ۱۳۳۱.ق.ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۲.

۱۷. م.او.خ.ا.س ۱۳۳۱.ق.ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۱.

۱۸. م.او.خ.ا.س ۱۳۳۱.ق.ک ۲۵، پ ۳۸، س ۲ و ۳.

۱۹. م.او.خ.ا.س ۱۳۳۱.ق.ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۰.

۲۰. م.او.خ.ا.س ۱۳۳۱.ق.ک ۲۵، پ ۳۸، س ۶؛ نک به سند شماره ۱.

وزارت خارجه در چهارم شعبان ۱۳۳۱ با ارسال سواد مراسله سفارت فرانسه، از وزارت داخله خواستار تحقیق در این زمینه شد و بنا بود در صورت صحت گزارش، از رفتار ناشایست اکراد جلوگیری شود و آسایش جانی و مالی و فکری مسیحیان کاتولیک کردستان را فراهم نماید.^{۲۱} وزارت خارجه گزارش مکاتبه با وزارت داخله را در همان تاریخ - چهارم شعبان - به اطلاع سفارت فرانسه رساند.^{۲۲}

عبدالواحد در عهد سالارالدوله و مجلل السلطان در مخالفت با دولت و ملت در کرمانشاهان و کردستان اقدامات متعددی نموده بود و با وجود دستور وزارت خارجه مبنی بر تبعید او همچنان دو سال بود که در کردستان حضور داشت و به نظر کارگزار کردستان تمام خرابی و اضمحلال جماعت کاتولیک کردستان از دسیسه عبدالواحد بود و جهت ختم مسئله بایستی به تبعید عبدالواحد از کردستان اقدام می‌کردند.^{۲۳}

با توجه به فرمان مظفرالدین‌شاه در محرم ۱۳۲۱ در کردستان می‌بایست کشیش و خلیفه‌ای به سرپرستی مسیحیان کاتولیک آنجا مأمور شود که اجازه‌نامه مخصوص از دولت ایران داشته باشد و تا زمانی که از سوی دولت به رسمیت شناخته نشده مداخله آنها در امور مذهبی کاتولیکها پذیرفته نیست.^{۲۴} مظفر السلطنه کارگزار کردستان در تلگراف پانزدهم شوال ۱۳۳۱ به وزیر خارجه با اعلام رضایت مردم کاتولیک مذهب کردستان از زن و مرد و پیر و جوان از کشیش دینخوا خواستار به رسمیت شناخته شدن وی از سوی دولت و دستور سفارت فرانسه به کشیش مزبور جهت اقامت در کردستان برای تربیت اطفال و پیشنمازی کاتولیکها شد.^{۲۵}

وزارت خارجه سه روز بعد نیز با توجه به ناراضی بودن جماعت کاتولیک کردستان از مداخلات کشیش جبرائیل، ضمن تأیید اظهارات آن جماعت خواستار همکاری کارگزار کردستان با کاتولیکها و کشیش دینخوا و لازاریست شد.^{۲۶}

تهدید و ارباب جماعت کاتولیک سنندج توسط کشیش جبرائیل مبنی بر تصرف کلیسا به قوه قهریه و فشار وارده از سوی اکراد - قبل از رسیدن دستور وزارت خارجه به

۲۱. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۵، نک به سند شماره ۲.

۲۲. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۹.

۲۳. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۱، نک به سند شماره ۳.

۲۴. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۸۳.

۲۵. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۶.

۲۶. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱ق، ک ۲۵، پ ۳۸، س ۷.

کارگزار کردستان و عملی شدن این دستورات - کاتولیکهای کردستان اقدامات وزارت خارجه ایران را در باب تأمین امنیت و آسایش خود کافی ندانستند و همان طوری که قبلاً اعلام کرده بودند، در تلگرافی به تاریخ دوازدهم شوال ۱۳۳۱ به وزارت داخله کمکهای ذیل را درخواست کردند:^{۲۷}

۱. همراهی و همکاری حکومت و کارگزاری کردستان با آنها.

۲. قطع کردن دست کنسولگری عثمانی در سنندج (از دخالت در امور کاتولیکها).

۳. موافقت سفارت فرانسه با اقامت مسیو دینخا در کردستان جهت تربیت اطفال و اداره امور روحانی و کلیسای آنجا.^{۲۸}

وزارت داخله بعد از هفت روز از دریافت تلگراف کاتولیکهای کردستان کپی آن را به وزارت خارجه ارجاع داد و خواستار اقدام فوری در آسودگی آن جماعت شد.^{۲۹}

وزارت خارجه به اطلاع وزارت داخله رساند که در خصوص شکایتهای کاتولیکهای کردستان از کشیش اعزامی از موصل دستورات لازم به کارگزار کردستان صادر شده است.^{۳۰}

وزارت خارجه در نامه چهارم محرم ۱۳۳۲ به سفارت عثمانی نوشت نظر به اینکه هر فرقه مذهبی در انتخاب پیشوایان روحانی خود آزاد هستند و آنها را نمی توان به پیروی اشخاص خاص مجبور کرد پس دخالت کنسول عثمانی در سنندج در امر کاتولیکهای سنندج چه معنی دارد؟^{۳۱}

سفیر عثمانی پس از بیست و چهار روز از دریافت نامه ضمن تکذیب مسئله توضیح داد که بعضی اختلافهای حاصله بین کاتولیکها کلاً برطرف شده و کدورتی وجود ندارد.^{۳۲}

نامه هفتم صفر ۱۳۳۲ وزارت خارجه به سفارت عثمانی حکایت از قانع نشدن پاسخ سفارت عثمانی توسط وزیر خارجه و خواستار توضیحات بیشتر درباره مسئله رفع اختلافاتی شد که از گزارش کنسول عثمانی در سنندج در نامه سفارت آمده بود.^{۳۳}

۲۷. کپی تلگراف فوق توسط شانله رئیس میسیونرهای لازاریست ایران و رئیس مدرسه سنلویی در اختیار سفارت فرانسه قرار گرفت.

۲۸. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱، ق. ک ۲۵، پ ۳۸، س ۲ و ۳.

۲۹. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱، ق. ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱.

۳۰. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱، ق. ک ۲۵، پ ۳۸، س ۴.

۳۱. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱، ق. ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۲، نک به سند شماره ۴.

۳۲. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱، ق. ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۴، نک به سند شماره ۵.

۳۳. م.ا.و.خ.ا. س ۱۳۳۱، ق. ک ۲۵، پ ۳۸، س ۱۷.

